

آثار احمدی

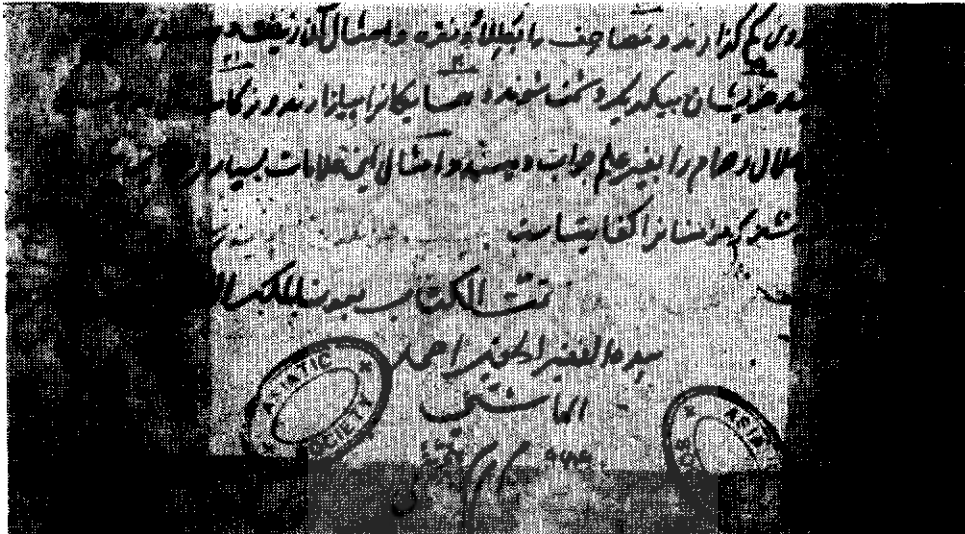
کتابی است مشتمل بر آثار نبوی و محتوی بر تحقیقات اخبار مصطفوی و مجملی از احوال خلفای راشدین و معجزه‌هایی منسوب به ائمه اثنی عشر. مؤلف و مصنف آن احمد بن تاج الدین حسن سیف‌الدین استرآبادی ظاهراً طبع شعری داشته اما شعرش در مرتبه عالی نیست در متن کتاب ابیات و اشعاری بمناسبت ساخته و جای گزین عبارت نموده و از شعرای دیگر تک بیت‌هایی بمناسبت نقل کرده در هیچ یک از تذکره‌ها نامش دیده نشده و معلوم است شعرمی ساخته ولی شاعری بنام نبوده.

صاحب‌الذریعه احتمال داده برادر سلطان محمد بن تاج الدین حسن صاحب تحفة المجالس باشد، اولین بار در کتابخانه شخصی مرحوم پدرم نسخه‌ای خطی از آثار احمدی را دیدم به قطع ۲۲ × ۱۴ هر صفحه ۱۷ سطر در کاغذ زرد رنگ صیقلی نوشته تذهیب ساده‌ای در حاشیه دارد که به مرور ایام کم‌رنگ شده صفحه‌ای از دیباچه و چند سطر از آخر کتاب و سه صفحه در محل داستان خواستگاری محمد (ص) از خدیجه ساقط شده. کاتب مرتکب اشتباهی بزرگ شده که موجب سرگردانی است و آن این‌که نام کتاب را بجای کلمه «احمدی» «محمدی» ضبط کرده و نسخه کتاب «آثار محمدی» معرفی شده این اشتباه منحصر به نسخه فوق است و در سایر نسخه‌ها همه جا «آثار احمدی» ضبط است.

در هیچ یک از فهرست‌ها کتابی بنام «آثار محمدی» ثبت نشده و لذا برای کسانی که آشنائی با نسخه آثار احمدی نداشته باشند این تصور حاصل می‌شود که به نسخه‌ای منحصر بفرد دست یافته‌اند و حال آنکه خط تذهیب حاکی از آنست که نسخه بدست کاتب حرفه‌ای و حسب‌الفرموده از روی نسخه دیگر نوشته شده است.

نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران باعتبار دیربیاچه‌ای که مؤلف بر کتاب آثار احمدی نوشته آن را خلاصه‌ای روضه الاحباب تالیف جمال‌الدین عطاءالدشتکی شیرازی معرفی کرده و در فهرست مشار نوشته شده که این کتاب تحفة المجالس به سال ۱۲۷۴ در تبریز چاپ شده و حال آن که این نظر درست نیست و کتاب تحفة المجالس چاپ ۱۲۷۴ در دسترس است. و در آن کتاب فقط روایاتی درباره کرامات و معجزات از کتاب آثار احمدی نقل شده است و آنچه برای من مسلم است آن که نسخه آثار احمدی تا کنون بچاپ نرسیده.

● **کتاب کتابخانه مدرسه فیضیه قم**



پایان نسخه مورخ ۹۶۴ عامره هند

سایر نسخه‌ها :

۱- نسخه‌ای بقطع ۲۷ X ۱۷ هر صفحه ۲۱ سطر با جلد چرمی سرخ که تاریخ کتابت آن ۹۶۴ قید شده و در تاریخ ۲۷ ماه صفر سال ۹۹۲ جمع کتابخانه عامره هند شده و نسخه مزبور قبلاً در تصرف و تملک دیگران بوده و دو جای پشت ورق اول کتاب نوشته شده عرض شد فی سنه ۹۷۴ پانزدهم جمادی الاول و در جای دیگر عبارت عرض شد دوم

محرم الحرام ۹۹۰ و بهر حال این نسخه بشماره ۳۵۱ ثبت کتابخانه انجمن آسیایی بنگال است خط آن نا زیبا و ناخوانا که بعلمت فرسودگی فوق العاده و موربانه زدگی بزحمت صفحات آن وصالی و صحافی شده و خواندن بعض صفحات با زحمت مقدور می شود. در پایان این نسخه نام کاتب نوشته شده « احمد الهاشمی » و بقرائن محتمل است که خط مولف بوده باشد. آنچه مسلم است این نسخه بوسیله کاتب حرفه ای کتابت نشده و باطله نویسی بیشتر شباهت دارد تا بیک نسخه خطی منظم در متن و حاشیه اصلاحاتی شبیه بخط متن بعمل آمده. با توجه باین نکته که باعتبار دیباچه کتاب مولف معترف است در سن کهولت بتالیف کتاب اقدام نموده کتاب خود را لب لباب روضة الاحباب معرفی کرده و نسخه خطی روضة الاحباب که بخط مؤلف در ۹۰۳ نوشته شده در کتابخانه آستان قدس موجود است وفوت جمال الدین عطاءاله در ۹۱۱ بوده دور نیست که نسخه آثار احمدی که در ۹۶۴ کتابت شده باطله نویسی یا نسخه مکرر بخط مولف باشد.

آنچه برای اهل تحقیق ارزش دارد آنست که این نسخه قدیمترین نسخه ای است که فهرست نویسان داخلی و خارجی سراغ کرده اند.

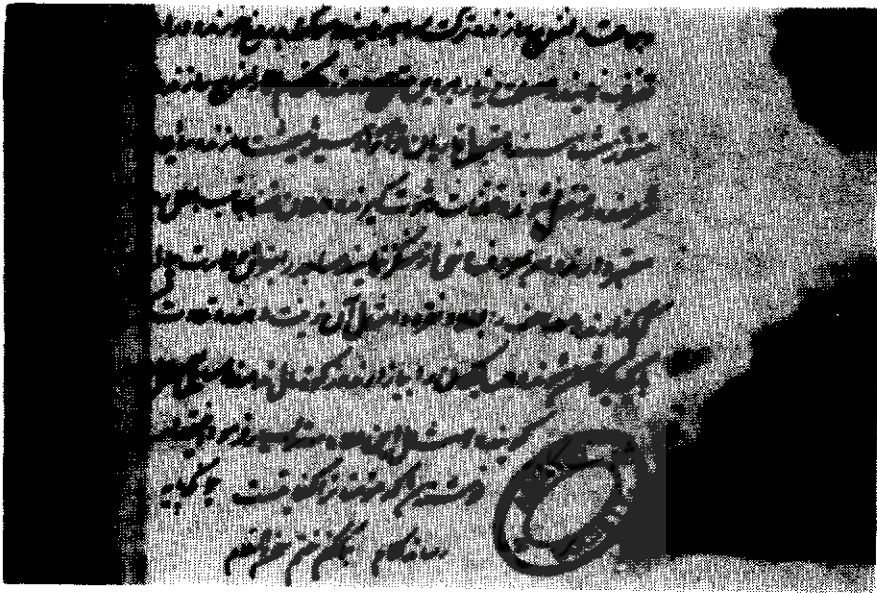
هرگاه با قرائن ضعیف که در دست است علوی بودن احمد بن تاج الدین حسن مولف آثار احمدی به ثبوت برسد احتمال آن که احمد الهاشمی کاتب نسخه سال ۹۶۴ همان احمد بن تاج الدین حسن مولف آثار احمدی است قوی تر می سازد.

هر چند قرائن و شواهد ضعیف برای اهل تحقیق قابل اعتنا نیست ولی تا دلیل قاطع بدست نیاید قرینه ضعیف را نمی توان نادیده گرفت.

قرائن قابل ذکر آن که می دانیم در بار امیر علیشیر نوائی در هرات کانون فضلا و نویسندگان و گویندگان زمان بوده اهل فضل و دانش در نزد امیر علیشیر قرب و منزلتی داشته اند. در احوال جمال الدین عطاءاله مولف روضة الاحباب نوشته شده که وی چندی در هرات می زیسته و در مدرسه سلطانیه هرات مجلس می گفته. مولف آثار احمدی بقرینه تجلیلی که در مقدمه کتاب خود از روضة الاحباب نموده پیش کسوتی

مؤلف روضه را محترم شمرده باید درك محضر او را کرده باشد و سکونت او در هرات مسلم می‌شود.

دیگر آن که در قریه شاخن چهار فرسنگی درخشا از توابع بیرجند گوری هست که سنگ بزرگ و طولی بر روی آن نهاده‌اند و بر آن سنگ آیاتی از قرآن باخط خوب حک شده بعضی عبارات بعلمت سائیدگی خوانده نمی‌شود و نام تاج الدین حسن نیز بر آن سنگ نوشته است. باعتبار مردم آن سامان تاج الدین حسن از سادات جلیل القدر است و نسب وی به موسی بن مبرقع می‌رسد و روایت مرگش که سینه بسینه نقل شده



انجام نسخه بنگال

باین صورت است که وی از هرات باین دیار آمده و بدست یکی از افراد فرقه اسمعیلیه کشته شده و تاریخ نقر شده بر سنگ قدمت آن را به چهار قرن قبل می‌رساند با این قرائن اگر احمد بن تاج حسن مؤلف آثار احمد فرزند تاج الدین حسن مدفون در شاخن باشد هاشمی نسب است و احتمال آن که احمد هاشمی کاتب نسخه کتابت شده سال ۹۶۴ مؤلف کتاب بوده بیشتر می‌شود بهر حال عیب کلی این نسخه آنست که در حدود سی صفحه آن ساقط شده.

۲- نسخه‌ای دیگر از کتاب آثار احمدی در کتابخانه انجمن آسیایی بنگال موجود است بخط نستعلیق تا حدی خوش و زیبا بقطع ۲۵×۱۹ هر صفحه ۲۱ سطر که متعلق به کتابخانه مدرسه فورت ولیم بوده و مهر کتابخانه مزبور (کتاب کالج فورت ولیم) بر روق اول نقش است و مهر لاتین انجمن آسیایی بنگال را نیز دارد هر دو مهر در اول و آخر کتاب دیده می‌شود با این‌که نسخه کامل است تاریخ‌کتابت آن معلوم نیست و نام کاتب نوشته نشده و روشن نیست که در چه تاریخی به تملک کتابخانه انجمن آسیایی یا کالج فورت ولیم در آمده در صفحه آخر کتاب سه تاریخ تولد که بترتیب ۱۰۷۷ و ۱۰۸۱ و ۱۰۸۲ ثبت شده مربوط بروز تولد فرزندان مالک اولیه کتاب است که بنا بر معمول زمان تاریخ تولد فرزندان خانواده را بر پشت کلام‌الله یا کتاب ارزنده دیگری ثبت می‌نموده‌اند قه‌ری است که تاریخ‌کتابت این نسخه باید قبل از سنه ۱۰۷۷ بوده باشد.

از خصوصیات این نسخه آن که متن کتاب با خط دو نفر خطاط به تناوب نوشته شده و بیاری یکدیگر کتاب را بیایان رسانیده‌اند. تفاوت خط در فصول مختلف بچشم می‌خورد. يك خط بسیار خوب و نستعلیق زیبا و دیگر نستعلیق تا حدی خوب و خوانا محتوی این نسخه با نسخه قدیمی که سال ۹۶۴ کتابت شده بسیار نزدیک یکدیگر و اختلافات بسیار ناچیز و قابل اغماض است بیشتر اختلاف در بکار بردن شکل افعال بچشم می‌خورد از نظر تصحیح و مقابله هر گاه نسخه کتابت شده ۹۶۴ بعنوان قدیمترین نسخه اصل و متن قرار گیرد نسخه فوق برای جبران آن مقدار صفحات که از کتاب ۹۶۴ ساقط شده نسبت بسایر نسخ اصح و اصلح بنظر می‌رسد.

۳ و ۴- در گنجینه کتب خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دو نسخه کتاب آثار احمدی موجود است که مشخصات آنها بترتیب قدمت آنها ذکر می‌شود:

نسخه‌ای به سال ۱۰۷۷ بخط شهسوار بن شاهمراد. يك نوائی بقطع ۲۱×۱۰ هر صفحه ۱۹ سطر با خط نستعلیق خوانا روی کاغذ سفید بخارائی نوشته شده. این نسخه متعلق به آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه تهران بوده که با سایر کتب

کتابخانه استاد به دانشگاه انتقال یافته و به شماره ۱۸۴ ثبت گردیده .
 نسخه دیگری که در سال ۱۲۳۶ نوشته شده و کاتب آن معلوم نیست قطع ۱۵ × ۵ / ۱۰ روی دو رنگ کاغذ آبی و کاغذ چرک ضخیم نوشته و این نسخه نیز به خط دو نفر است .
 قسمت اول با خط شکسته نستعلیق تا حدی خوب و زیبا و قسمت دوم با خط نستعلیق که تا حدی بدخط است .

بسم الله الرحمن الرحيم
 خدا با زکرت زبان کام یافت ، ز تلم تو ز نامه نام یافت ، و باج و ج در اعطای تو
 شد ز بلین سزج در از نشای تو شد ، شود نعمت از شکر نعمت پدید زبان بند نعمت رکعت
 قدم بر تو ز نثار یافت زبان بهر شکر و کنای یافت ، صبح زین حکایتی در رخا
 پاکیزه بیان نیکو انداز شیرین ترین رو ایسی که بیان استل سر در این سخن بافت هر حرف
 بنعمت تو روان تو بر تو در و مثبت گرداننده اند عهد ذات احدیست مغز از شکر و سال و د

آغاز نسخه مورخ ۱۰۷۷ دانشگاه تهران

۵- نسخه‌ای خطی از کتاب آثار احمدی که صفحه آخر آن ساقط و نیمی از ورق اول آن پاره شده بطوری که چند سطر از شعر مقدمه دیباچه آن از بین رفته کاتب و تاریخ کتابت آن معلوم نیست در کتابخانه شخصی آقای سیدجلال الدین محدث ارموی استاد دانشگاه تهران موجود است که برای مدتی کوتاه در اختیار این جانب قرار دادند . از نظر مقابله بسیار مغتنم بود این نسخه بقطع ۲۱٫۲ × ۱۰ هر صفحه ۱۹ سطر از نظر خط و کاغذ شباهت زیادی با نسخه شماره ۱۸۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دارد .

۶- نسخه‌ای از کتاب آثار احمدی در کتابخانه دانشگاه رنینگتن آلمان موجود است و به شماره ۳۰۰ کتب السنه شرقی ضبط شده قطع آن ۲۶ × ۱۶ با خط شکسته نستعلیق خوانا و بسیار بر غلط و تاریخ کتابت ندارد . و شاید از نظر تحقیق کم ارزش ترین نسخه‌های موجود کتاب آثار احمدی باشد .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدا را شکر زبان کامیاب زبانه نامیاب زبان فرج خداوند
 زبان شرح روزگار نوشت شو نعمت لیس که نعمت زبانه شد در نعمت
 قدم بر سر که نوکهار یافت قدم بر سر که نوکهار یافت زبان بر سر که نوکهار یافت
 صحیح زمر حکایه مورجان مکر بجان ارد شیر زمر رودایه که مسلک خوش الحان دستان
 سر بعد از سخن بلاغت بحر فصاحت نفهم خردی نغور مغرور نشکر که دانند چه
 دلت لعلت نزه کسبند و مثال و شایع صد سحر لاله و دانی در بی
 صیقل لعل لعل محروس و شایع و اول طهارت و لغت العظیم از نرس اولیای مبدی است
 حسنا را در نظام بدیده نظم خداوند بخشنده و دیگر گرم حاکم کنش بر مردکی
 هر دو کوشش زما من بود از نرس و هیچ خوش یافت که کار است هر دو کوشش
 خواص نموده در دلد در رسد لغور و خبر گشته در دلد هر مرد و زن
 در شش السق در میدان بیان رانده از خزان سیفت کرد بکنند در مقدر
 صح عاقل کجا کرد و محیط کند او دل لطف انیم باند در صحت گشش فهم عام
 شده و معرفش از مکان در زبان بردن دانش محض جهل است لغی
 ایایش و لطف صلابت و صلالت که سجای باکره سپرد اشرف

آقای احمد گلچین معانی که بصیرتی در شناخت نسخه‌های خطی دارن‌دیاد آوری نمودند که نسخه آثار احمدی با کتاب روضة الاحباب جمال‌الدین عطاءالله مقابله شود تا معلوم گردد مولف آثار احمدی تا چه حد تحت تأثیر روضة الاحباب بوده .

نسخه چاپی روضة الاحباب در دسترس نبوده نسخه‌های خطی کتاب مزبور در کتابخانه‌های مدرسه عالی سپهسالار که مرحوم سپهسالار خریداری و وقف نموده و نسخه‌ای نفیس و اصیل بخط مولف جمال‌الدین عطاءالله که تاریخ ختم آن ۹۰۳ در آخر جلد اول قید شده در کتابخانه آستان قدس موجود است و ظاهراً این کتاب را نادرشاه از هند آورده و بعد تقدیم کتابخانه آستان قدس شده است . این نسخه‌ها را با کمک آقای دکتر علی-شریعتی ملاحظه و با دقت تمام با کتاب آثار احمدی مقایسه گردید معلوم شد همان‌طور که صاحب آثار احمدی در دیباچه کتاب متعرض شده روضة الاحباب دارای تفصیل بسیار است و مولف آثار احمدی بعنوان يك سند معتبر از آن استفاده کرده و حتی يك عبارت کوتاه هم از آن کتاب در کتاب خود بعین نقل ننموده فقط يك رباعی عربی عیناً نقل شده و آنچه از نظم و نثر در آثار احمدی درج است تالیف و تصنیف مولف آن است . بقول خودش بین الاجمال و التفصیل با استفاده از روضة الاحباب و سیره مولانا حسین خوارزمی و خواجه محمد پارسا از بزرگان اهل تصوف و جمال-الدین خوارزمی کتابی مستقل در سیره رسول اکرم و کرامات ائمه اثنی عشر ساخته است .

شرح حال کامل و حتی ناقص مولف آثار احمدی بدست نیامده آنچه از رشحات قلم و عبارات دیباچه بر می‌آید احمد بن تاج‌الدین حسن سیف‌الدین استرآبادی در روزگار امیر علیشیر نوائی در هرات می‌زیسته و در مدرسه و مسجد مجلس می‌گفته سیاق عبارات کتاب نشان می‌دهد سخنگوئی زبر دست بوده و منبری گرم و گیرا داشته تا حدی که مورد توجه بزرگان سیاست و دانش زمان واقع شده و ارادتمندانی نیز

داشته است. در دیباچه گفته «گاهگاهی حکایتی که مشتمل بر غرابتی بود در محفل افاضل و دانایان قواعد دین و ملل و مجالس فضلا و خورده اشناسان ضوابط علم و عمل معروض می داشت. مستمعان از استماع آن مبتهج و مسرور می بودند و بشرف ارتضا مقرون داشته تحسین و تعریف می فرمودند. در خلال این حال بعضی از دوستان و جمعی از محبان که اطاعت و فرمان برداری ایشان واجب و لازم بود گاهی از روی التماس و استدعا درخواست می نمودند و گاهی از روی قدرت و استعلا امر می فرمودند که درین باب کتابی تالیف کن و رساله ای تصنیف گردان مشتمل بر معظّمات آثار نبوی و محتوی بر تحقیقات اخبار مصطفوی تا دوستان را از خواندن و محبان را از دانستن آن حظی وافر و نصیب کامل بحصول موصول گردد.» و باز از عبارات دیباچه برمی آید که قدرت مالی و تمکن بآن اندازه نداشته که مرکب و کاغذ فراهم آورد چنان که گوید: «پس گاهی بواسطه عدم بضاعت و قلت استطاعت» مهم امر تالیف بتاخیر می افتاده و از طرفی دچار بلای عوام زدگی نیز بوده می نویسد: «گاهی بسبب عدم رواج هنر و خلاء عرصه گیتی از وجود سخن پرور شاهد مطلوب چهره مقصود نمی گشود و ازین سبب پای ملال در دامن اندوه و غم و بلا می کشیدم و جرعه از جام غصه و الم می چشیدم.» و نیز برمی آید که شیعی مذهب و بی شک مکتب تصوف زمان در او اثر گذاشته هم از مرکز قدرت اهل تسنن بیم داشته و هم از طعنه قشری ها در امان نبوده و در مقابل هر دو جانب تقیه را رعایت می کرده تا مسلمانان چهار یاری متعرض نباشند و متعصبین تکفیر نگویند و در این باره گفته: «یک چند تعرض زبوان و طعنه دونان مانع می شد و در دریای غم و اندوه غوطه می خوردم و گوهر مطلوب بدست نمی آوردم».

تا بالاخره بقول خودش «با وجود حال خراب و کشاکش دل و اضطراب» عزم جزم کرد تا از اصح روایات و لب لباب روضه الاحباب و خلاصه باقی کتب معتبره این کتاب را بوجود آورد و اثری از خویش باقی گذارد.

مطالعه این کتاب نا خود آگاه ما را به تحول فکری زمان و چگونگی رسمیت یافتن و قدرت گرفتن مکتب تشیع در قرن نهم و دهم آشنا می کند. خصوصاً اگر

نسخه‌های کتاب با یکدیگر مقابله شود ملاحظه قدرت یافتن مکتب با شدت بچشم می‌خورد.

چه مؤلف در روزی که دست بکار تالیف کتاب شده خود را بی طرف انگاشته و تعصب بکار نبرده و با احترام برادران مسلمان خویش حدود بی طرفی را تا حدودی که مورد اعتراض واقع نشود رعایت کرده و همه جا نام خلفای اول و دوم را با احترام یاد کرده و کلمه رضی الله عنه را بدنبال اسمشان افزوده ولی در نسخه‌های دیگر که اوائل قرن یازدهم کتابت شده قدرت حکومت صفوی با وج کمال رسیده و نسخه - نویسان بی پروائی خاص در سب و لعن اول و دوم از خود نشان داده‌اند و باین وصیت مؤلف که می‌گوید «التماس از فضایل زمان و استدعا از علمای عالی‌شان آنست که درین روایات که ایراد نموده شد بنظر رضا بینند و اگر سهوی یا خلی مشاهده نمایند باصلاح بنوعی التفات فرمایند که رابطه عناد و شائبه تعصب و فساد نباشد» اعتنا نکرده‌اند و به‌پسند خاطر خویش اقدام کرده‌اند.

با توجه باین نکات بعد از نسخه کتابت شده در سال ۹۶۴، نسخه خطی موجود در مشهد قدیم تر و اصیل تر بنظر می‌رسد خاصه آن که خصوصیات رسم الخط زمان را نیز دارا می‌باشد.

سید اسمعیل آموزگار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی